

اعلامیه مطبوعاتی

آیا یهود شروع به دست‌درازی به مصر کرده تا دانشمندان را از میان بردارد؟ سؤالی که و اقعیت و ابسته‌گی را برهنه و ناتوانی رژیم حاکم را در حفاظت از مصرو مردم آشکار می‌سازد!

(ترجمه)

حادثه ترور مهندس متخصص در کیمیا/شیمی هسته‌ای در اسکندریه، یک واقعه ساده جنایی نبود و به سادگی نمی‌توان آن را در زمره «نزاع‌های شخصی» گنجانده؛ چنان‌که رژیم مصر و رسانه‌های رسمی تلاش دارند چنین وانمود کنند. زمان وقوع، نوع تخصص، شیوه اجرا و فضای سیاسی پیرامون حادثه، همه انسان را وادار می‌کند تا پرسش‌های بزرگی را مطرح کند؛ پرسش‌هایی که رژیم از پاسخ‌دادن به آن‌ها فرار می‌کند، بلکه حتی از طرح‌شدن‌شان هراس دارد. امروز مردم سؤالاتی را مطرح می‌کنند که مشروع، بلکه واجب‌اند:

آیا یهود شروع به دست‌درازی به سرزمین کنانه (مصر) کرده تا باقی‌مانده توانایی‌های علمی آن را از میان ببرد؟ آیا اکنون نوبت آن رسیده که متحد سیاسی و نظامی رژیم، کادرهای علمی خویش را قربانی نگه‌داشت رابطه‌اش در سایه تبعیت بسازد؟ آیا واقعاً این رژیم نمی‌داند چه کسی پشت این جنایت است، یا این‌که نهایت کاری که می‌تواند انجام دهد مدیریت یک «نمایش تحقیقاتی» در پشت درهای بسته است که هیچ ربطی به حقیقت ندارد؟ وقتی یک دانشمند، یک پژوهشگر دارای تخصص استراتژیک، یا مهندسی که دانش حساسی در اختیار دارد کشته می‌شود، نخستین سؤال این است: چه کسی سود می‌برد؟

با نگاهی به وقایع چند دهه اخیر در منطقه، آشکار است که رژیم یهود بیشترین دست را در ترور دانشمندان عرب و مسلمان داشته است؛ از عراق و ایران گرفته تا سوریه و لبنان. متخصصان فیزیک، کیمیا، ارتباطات، هوانوردی و صنایع راکتی را هدف قرار داده است. پس آیا می‌توان احتمال داد که دست او به مصر نرسیده باشد، به خصوص در حالی که همکاری امنیتی رسمی، هماهنگی استخباراتی آشکار و تماس‌های مستمر میان دو طرف برقرار است؟ آیا منطقی است که تصور کنیم این رژیم، از تلاش برای محروم‌ساختن کشورهای منطقه از هر ظرفیت علمی و تحقیقی که بتواند بذر قدرت نظامی آینده باشد، دست بردارد؟

پرسش همچنان پابرجاست: چرا رسانه‌ها با این شتاب ادعا کردند که تخصص او هیچ ربطی به حادثه ندارد؟! چرا این‌قدر عجله دارند که موضوع را «درگیری شخصی» جلوه بدهند، پیش از آن‌که تحقیق کامل شود؟!

مگر معمول دستگاه‌های امنیتی مصر چنین نیست که تمام اطلاعات را پنهان کنند و قبل از پایان تحقیقات هیچ احتمالی را مطرح نسازند؛ پس چرا این بار شتاب کردند؟!

اصرار بر بستن راه هرگونه احتمال ترور سیاسی یا دخالت خارجی، نشان می‌دهد که رژیم از گشودن این باب می‌ترسد؛ زیرا بازشدن آن پرسش بزرگ‌تر را مطرح می‌کند:

چرا نظام از محافظت دانشمندان خویش عاجز است؟ چرا باید دست بیگانه بتواند تا این حد آزادانه داخل مصر عمل کند؟

غیرممکن است که رژیم مصر نداند دشمن اصلی امت اسلامی کیست. وی خوب می‌داند که رژیم یهود دست امت مسلمه بوده و مشکل در نوع رابطه‌اش با این دشمن است. رابطه رژیم مصر با آن رژیم، رابطه دشمنی که اسلام تعیین کرده نیست؛ بلکه رابطه همکاری، تبادل امنیتی و هماهنگی سیاسی است؛ رابطه‌ای که در آن، حفظ قدرت و دوام حکومت بر حفاظت از کشور و مردم مقدم شمرده می‌شود.

آیا رژیمی که هر روز با دستگاه‌های استخباراتی اشغال‌گران همکاری می‌کند، می‌تواند انگشت اتهام را به سوی آنان بگیرد؟ آیا رژیمی که مشروعیت خارجی‌اش را از حمایت کشورهای غربی، حامیان اصلی رژیم یهود می‌گیرد، می‌تواند «هم‌پیمان مشترک» را متهم کند؟ آیا رژیمی که بقایش وابسته به رضایت امریکا، حامی نخست آن رژیم است، می‌تواند حتی احتمال دخالت آنان را مطرح سازد؟

پاسخ روشن است؛ بنابراین تحقیق همیشه در همان نقطه «نزاع شخصی»، «حادثه اتفاق» یا «فرد مختل» متوقف می‌شود!

نباید به این‌گونه جنایات به چشم حوادث فردی نگریست، بلکه باید آن را از زاویه امنیت عمومی و رسیدگی به امور امت دید. اگر از نگاه سیاسی و منطقی، متهم اصلی رژیم یهود باشد، آنگاه وظیفه شرعی نه «کمسیون تحقیق»، بلکه حفاظت از امت و دفع تجاوز است.

سؤال باقی می‌ماند: آیا رژیم مصر اراده یا توان چنین کاری را دارد؟ رژیمی که مردم غزه را محاصره می‌کند، برای یهود برق و گاز عبور می‌دهد، در پرونده‌های امنیتی و سرحدی همکاری می‌کند، و در محافل بین‌المللی به سود آنان رأی می‌دهد، چگونه می‌تواند ادعا کند که می‌خواهد از آنان انتقام بگیرد؟

شرع مقدس بر دولت فرض کرده که هرگونه تجاوز را همچون حمله‌ای بر تمام امت بداند و به آن پاسخ دهد؛ چنان‌که الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ﴾ [بقره: 190]

ترجمه: در راه الله با کسانی که با شما می‌جنگند بجنگید.

اما رژیم‌های موجود بر این معیار حرکت نمی‌کنند؛ بلکه معیار آن‌ها سیاست بین‌المللی و منافع قدرت‌های بزرگ است.

حفاظت از سرزمین و دانشمندان آن، دفع تجاوز و ایجاد بازدارندگی، وظیفه دولتی است که دارای حاکمیت واقعی باشد، نه نظامی که اراده سیاسی ندارد. از همین‌رو، پرسش بزرگ‌تر که این حادثه مطرح می‌کند این نیست که «قاتل کیست؟» بلکه این است: آیا رژیمی که از لحاظ سیاسی، نظامی و اقتصادی در وابستگی به آمریکا سر کفر و استعمار قرار دارد، می‌تواند از مصر، ظرفیت‌های آن و دانشمندان حفاظت کند؟

این حادثه، هر اندازه تلاش کنند کوچک جلوه دهند، یک حادثه معمولی نیست؛ بلکه نشانه‌ای از سستی امنیت واقعی در مصر است؛ نشان‌دهنده آن‌که سرزمین در برابر دشمنانش بی‌دفاع مانده و رژیم از حفاظت صاحبان توانایی تا چه رسد به حفاظت امت عاجز است.

ای سپاهیان کنانه! حوادثی که یکی پس از دیگری بر مصر می‌گذرد، از ترور نخبگان و هدررفتن ظرفیت‌ها گرفته تا گشودن دروازه‌های سرزمین به روی دشمنان همه نشان می‌دهد که مشکل نه در مردم است و نه در سربازان؛ مشکل در رهبری سیاسی است که مصر را در بند وابستگی‌ها بسته است، تا جایی که سرزمین در برابر دشمنانش بی‌حفاظ مانده است.

شما بهتر از هر کسی می‌دانید که شرع بر دوش شما مسئولیت بزرگ نهاده است: یاری حق، جلوگیری از ظلم و حفاظت از امت در برابر دشمنانش. شما می‌دانید که دست یهود در سرزمین‌های مسلمانان دراز شده است، قتل، ویرانی و فساد و این همه رخ نمی‌داد اگر امت دولتی می‌داشت که دین الله سبحانه و تعالی را برپا کند و از مسلمانان دفاع نماید.

امروز شما را با دعوتی صادقانه خطاب می‌کنیم و از آن جز رضای الله سبحانه و تعالی را نمی‌طلبیم که به مسئولیت شرعی‌تان در حفاظت از سرزمین‌تان، جلوگیری از دست‌اندازی دشمنان، پایان‌دادن به وابستگی به غرب و یاری‌دادن برنامه امت برای برپایی حاکمیت اسلام، که خون‌ها را حفظ می‌کند، عزت را پاس می‌دارد، و سلطه امت را بازی‌گرداند، در سایه دولت خلافت راشده بر منہاج نبوت، عمل کنید.

﴿وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ﴾ [النساء: 75]

ترجمه: چرا باید در راه الله و (نجات) مردان و زنان و کودکان درمانده و بیچاره‌ای بجنگید؟!

دفتر مطبوعاتی حزب التحریر - ولایه مصر

شماره صدور: 20 / 1447

24 جمادی الأول سال 1447 ه.ق.

15 نوامبر سال 2025 م.

